



گزینه ۱

۱

عبارت "الف" معرّف سعدی شیرازی است. عبارت "ب" معرّف امام محمد غزّالی است و عبارت "ج" معرّف سعدالدّین وراوینی. کسی که مرزبان‌نامه را به زبان طبری نوشت، مرزبان بن رستم بود. سعدالدّین وراوینی این کتاب را به فارسی برگرداند.

گزینه ۳

۲

بیت گزینه "۳" مثل بیت صورت سؤال می‌گوید تنها یک‌بار زندگی می‌کنیم و فرصت‌هایی که از دست می‌روند، هرگز بازمی‌گردند.

گزینه ۱

۳

در ابیات صورت سؤال، گروه‌های "این باب" و "آن روز" صفت اشاره دارند. "خواب" در "جامه خواب"، "تو" در "علم تو" و "خود" در "کرده خود" مضاف‌الیه است.

گزینه ۳

۴

بررسی آرایه‌ها:

(الف) تلمیح: به حدیث "ما اکثر العبر و اقلّ الاعتبار" (عبرت‌ها چه بسیارند و عبرت‌پذیران چه اندک) اشاره دارد. (ب) تکرار: گه. (پ) واج‌آرایی: تکرار واج‌های "خ - ن". (ت) تشبیه: متاع جوانی، جوانی: مشبه - متاع: مشبه‌به

گزینه ۱

۵

املای "مساعی و کوشش‌ها" به همین شکل درست است.

گزینه ۱

۶

بیت گزینه "۱" پرسش انکاری ندارد. در بیت گزینه "۲" شاعر می‌گوید: "که (چه کسی) جسمی مرگب از جان دیده باشد؟" یعنی هیچ‌کس ندیده است. در بیت گزینه "۳" شاعر می‌گوید: "سال دیگر که (چه کسی) امید نوبهاری دارد؟" که یعنی کسی چنین امیدی ندارد. در بیت گزینه "۴" نیز شاعر دو پرسش انکاری به کار برده است: "این گره را چگونه بگشایم؟" و "این راز را چگونه بنمایم؟" یعنی "نمی‌توانم این گره را بگشایم."، "نمی‌توانم این راز را نشان دهم."

گزینه ۴

۷

واژه‌های "موسم"، "فرتوتی"، "حرص" و "هوس" در متن صورت سؤال نادرست نوشته شده است.

گزینه ۳

۸

معنی درست واژه‌هایی که غلط معنی شده‌اند، بردباری: صبوری - بصیرت: زیرکی، روشن‌بینی - زنگار: آلودگی و غبار - موسم: زمان، هنگام

گزینه ۳

۹

گزینه ۳

۱۰

مفهوم اصلی بیت صورت سؤال، بازگشت‌ناپذیری زندگی است. ابیات "ب" و "د" نیز همین مفهوم را دارند و می‌گویند فرصت چو از دست رفت، دیگر باز نمی‌گردد.

گزینه ۳

۱۱

در بیت گزینه ۱، گوینده مخاطب را به جستجو در چگونگی زندگی جهان‌دیدگان امر می‌کند. در بیت گزینه ۲ نیز پرسشی مطرح شده و پاسخ گرفته است. بیت گزینه ۴ هم که اصلاً جمله پرسشی ندارد؛ اما عبارت "قدر دُر چه داند مفلسی"، یعنی "مفلس قدر دُر را نمی‌داند"، پس این بیت پرسش انکاری دارد.

گزینه ۲

۱۲

در این گزینه استفهام انکاری دیده نمی‌شود.

گزینه ۴

۱۳

فعل‌های "نشانند" و "خوردیم" ماضی و فعل‌های "بنشانیم" و "خورند" مضارع است.

گزینه ۲

۱۴

بازگردانی ابیات:

- (الف) هرگاه می‌بینم که در می‌کده باز است، چگونه مرغِ دل خسته من صید نشود؟ قطعاً صید می‌شود! پرسش انکاری دارد.
- (ب) کسی که معتکف کعبه قرب تو است، در مذهب عشاق چه احتیاجی به حجاز دارد؟ احتیاجی ندارد! پرسش انکاری دارد.
- (ج) دل پرتاب من از آتش سودا دائماً مثل شمع جگرتافته در سوزوگداز است. بیت اصلاً جمله پرسشی ندارد.
- (د) به آن دلیل مثل عود می‌سوزم و می‌سازم که کار من دل‌سوخته از همین سوزها به ساز است. بیت اصلاً جمله پرسشی ندارد.

بازگردانی ابیات:

(الف) برای تو، چه من باشم و چه نباشم، هر دو روا است. برای تو مثل من فراوان است. برای من مثل تو کجا است؟ برای من مثل تو جایی نیست. پرسش انکاری دارد.

(ب) آسمان، کجا بار اندوه من را می‌تواند تحمّل کند؟ به‌ویژه وقتی که فریادم از بیداد، بر آسمان بلند شود. آسمان، نمی‌تواند بار اندوه من را تحمّل کند. پرسش انکاری دارد.

(ج) نه اینکه من تنها عاشق تو باشم که بر هفت‌آسمان، از عشق تو چندان کشته هست که در شمار نمی‌آید. بیت اصلاً جمله پرسشی ندارد.

(د) به فرض ما را به درون پرده راه ندهی. {لطفت را} از اینکه بیرون از پرده، رویی به ما نشان دهی، کمتر مکن. بیت اصلاً جمله پرسشی ندارد.

بررسی ابیات:

گزینه ۱: "خبرت هست که" در بیت یعنی "خبرت باشد که، مراقب باش که".

گزینه ۲: "چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟" در بیت یعنی "مانند روباه به وامانده سیر نباش!".

گزینه ۳: "چه حاجت به تندی و گردنکشی؟" یعنی "به تندی و گردنکشی حاجتی نیست".

گزینه ۴: "چه کردی که دژنده، رام تو شد؟ [چه کردی که] نگین سعادت به نام تو شد؟

در بیت گزینه ۴ پرسنده واقعاً به دنبال پاسخ است.

لزوم درستکاری و رفتن به راست، در ابیات صورت سؤال و گزینه ۱ دیده می‌شود و این دو بیت به این دلیل باهم قرابت معنایی دارند. در بیت گزینه ۱ آمده است: "چقدر چپ و راست از راه سر می‌گردانی؟ چرا در این کاروان، راست و درست نروی؟"

عبارت "کی توان گفت" در گزینه ۲ پرسش انکاری است: "هرگز نمی‌توان گفت".

"چه سود" در بیت گزینه ۱ یعنی "سودی نیست، سودی ندارد". در بیت گزینه ۲ نیز "چه غم" یعنی "غمی نیست، غمی ندارد".

در بیت گزینه ۴ نیز "چه حاجت به تندی و گردنکشی" یعنی "حاجتی به تندی و گردنکشی" نیست. اما در بیت گزینه ۳

پرسش انکاری وجود ندارد، در این بیت می‌خوانیم: "در گیتی هیچ زن و مردی آگاه نبودند که شاهنشاه چرا آن آتش را ساخت."

این اثر نوشتهٔ مرزبان بن رستم و ترجمهٔ سعدالدین وراوینی است.